

ابرسانایی

به ترکیب جالب خواص الکتریکی و مغناطیسی فلزات مشخصی که در درجات حرارت خیلی پایین در آنها به وجود می آید اطلاق می شود. یک چنین دمایی اولین بار در سال ۱۹۰۸ وقتی کمرلینگ اونز در دانشگاه لیدن موفق به تولید هلیوم مایع گردید حاصل شد که با استفاده از آن توانست به درجه حرارت حدود یک درجه کلوین برسد. یکی از اولین بررسی هایی که ا.ن.ز با این درجه حرارت پایین قابل دسترسی انجام داد مطالعه تغییرات مقاومت الکتریکی فلزات بر حسب درجه حرارت بود. چندین سال قبل از آن معلوم شده بود که مقاومت فلزات وقتی دمای آنها به پایین تر از دمای اتاق برسد کاهش پیدا می کند. اما معلوم نبود که اگر درجه حرارت تا حدود کلوین تنزل یابد مقاومت تا چه حد کاهش پیدا می کند. آقای اونز که با پلاتینیم کار می کرد متوجه شد که مقاومت نمونه سرد تا یک مقدار کم کاهش پیدا می کرد که این کاهش به خلوص نمونه بستگی داشت. در آن زمان خالص ترین فلز قابل دسترس جیوه بود و در تلاش برای بدست آوردن رفتار فلز خیلی خالص اونز مقاومت جیوه خالص را اندازه گرفت. او متوجه شد که در درجه حرارت خیلی پایین مقاومت جیوه تا حد غیر قابل اندازه گیری کاهش پیدا می کند که البته این موضوع زیاد شگفت انگیز نبود اما نحوه از بین رفتن مقاومت غیر منتظره می نمود. موقعی که درجه حرارت به سمت صفر تنزل داده می شود به جای اینکه مقاومت به آرامی کاهش یابد در درجه حرارت ۴ کلوین ناگهان افت می کرد و پایین تر

از این درجه حرارت جیوه هیچگونه مقاومتی از خود نشان نمی داد. همچنین این گذار ناگهانی به حالت بی مقاومتی فقط مربوط به خواص فلزات نمی شد و حتی اگر جیوه ناخالص بود اتفاق می افتاد. آقای اونز قبول کرد که پایین تر از ۴ کلوین جیوه به یک حالت دیگری از خواص الکتریکی که کاملاً با حالت شناخته شده قبلی متفاوت بود رفته است و این حالت تازه ((حالت ابر رسانایی)) نام گرفت. بعداً کشف شد که ابر رسانایی را می توان از بین برد (یعنی مقاومت الکتریکی را می توان مجدداً بازگردانید.) و در نتیجه معلوم شد که اگر یک میدان مغناطیسی قوی به فلز اعمال شود این فلز در حالت ابر رسانایی دارای خواص مغناطیسی بسیار متفاوتی با حالت درجه حرارت های معمولی می باشد. تاکنون مشخص شده است که نصف عناصر فلزی و همچنین چندین آلیاژ در درجه حرارت های پایین ابر رسانا می شوند. فلزاتی که ابر رسانایی را در درجه حرارت های پایین از خود نشان می دهند (ابر رسانا) نامیده می شوند. سالهای بسیاری تصور می شد که تمام ابر رسانا ها بر طبق یک اصول فیزیکی مشابه رفتار می کنند. اما اکنون ثابت شده است که دو نوع ابر رسانا وجود دارد که به نوع I و II مشهور می باشد. اغلب عناصری که ابر رسانا هستند ابر رسانایی از نوع I را از خود نشان می دهند. در صورتی که آلیاژها عموماً ابر رسانایی از نوع II را از خود نشان می دهند. این دو نوع چندین خاصیت مشابه دارند. اما رفتار مغناطیسی بسیار متفاوتی از خود بروز می دهند.

ابرسانا ها

اگر دمای فلزات مختلف را تا دمای معینی (دمای بحرانی) پایین آوریم پدیده شگرفی در آنها اتفاق می افتد که طی آن به ناگهان مقاومتشان را در برابر عبور جریان برق تا حد صفراز دست خواهند داد. و تبدیل به ابررسانا خواهند شد.

(البته موادی مانند نقره نیز هستند که مقاومت ویژه شان حتی در دمای صفر درجه کلوین نیز صفر نمی شود). هرچند در این دما میتوان بسیاری از مواد را ابررسانا نمود محققان برای رسیدن به چنین دمایی مجبورند از هلیوم مایع و یا هیدرژن استفاده کنند که بسیار گرانند

امروزه ابررسانایی را در موادی ایجاد می کنند که دمای بحرانشان زیادتیر از ۷۷ درجه کلوین است که برای رسیدن به چنین دمایی از ازلت مایع استفاده می کنند که نقطه جوشش ۷۷ درجه کلوین است.

تاریخچه ابررسانایی

ابرسانایی برای اولین بار در سال ۱۹۱۱ توسط هایک کامرلینگ اونس (۱۹۲۶-۱۸۵۳) مطرح گردید. وی دمای یک میله منجمد جیوه ای را تا دمای نقطه جوش هلیوم مایع (۴,۲ درجه کلوین) پایین آورد و مشاهده نمود که مقاومت آن ناگهان به صفر رسید. سپس یک حلقه

سربی را در دمای ۷ درجه کلوین ابررسانا نمود و قوانین فارادی را بر روی آن آزمایش کرد و مشاهده نمود وقتی با تغییر شار در حلقه جریان القایی تولید شود .

حلقه سربی برعکس رسانا های دیگر رفتار می نماید یعنی پس از قطع میدان تا مادامیکه در حالت ابر رسانایی قرار دارد جریان اکتريکی را حفظ می کند. به عبارتی اگر یک سیم ابررسانا داشته باشیم پس از بوجود آمدن جریان الکتریکی در آن بدون مولد الکتریکی (مثل باتری یا برق شهر) نیز می تواند حامل جریان باشد .

اگر در همین حالت میدان مغناطیس قوی در مجاورت سیم ابررسانا قرار دهیم و یا دمای سیم را با لاتر از دمای بحرانی ببریم جریان در آن بسرعت صفر خواهد شد چون در این حالتها سیم را از حالت ابررسانایی خارج کرده ایم .

اقای اونس با همین کشف جایزه نوبل فیزیک در سال ۱۹۱۳ را از آن خود نمود. در عکس بالا اونس و همسرش نشسته و دوستان دانشمند مانند البرت انیشتین در پشت سر وی قرار دارند .

اثرمایسنر

سپس در سال ۱۹۳۳ Meissner و Oschsenfeld مطابق شکل نشان دادند که وقتی ماده مورد آزمایش قبل از ابررسانا شدن در میدان مغناطیسی باشد شار از آن عبور میکند ولی وقتی در حضور میدان به دمای بحرانی برسد ابررسانا گردد دیگر هیچگونه شار

مغناطیسی از آن عبور نمی کند تبدیل به یک دیامغناطیس کامل می شود که شدت میدان درون آن صفر خواهد بود .

فیزیکدانان مختلف همواره سعی کرده بودند به موادی دست پیدا کنند که اولاً دردمای پایین ابرسانا شوند و ثانياً برای فرایند سرمایش بجای هلیوم پر هزینه از نیتروژن مایع استفاده شود. تا بدن ترتیب بتوانند کابل‌های مناسب برای حمل و انتقال برق ویا موتور الکتریکی بسازند .

بلاخره در سال 1986 دو فیزیکدان سویسی به نامهای George bednorz-Alex Muller از آزمایشگاه زوریخ توانستند ابرسانایی از جنس سرامیک اکسید مس در دمای بالا ۶۰ درجه کلوین بسازند که برای فرایند سرمایش از نیتروژن مایع استفاده میشد که بسیار کم هزینه بود. بدین ترتیب دو گام مهم برای ساخت کابل‌های ابرسانایی برداشته شد و لی سرامیک اکسید مس برای ساخت کابل شکننده بود بنابراین تلاش‌های دیگری آغاز شد. که تا به امروز هم ادامه دارد دانشجویان و دانشمندان ایرانی هم در این عرصه بسیار فعال هستند .

طبق گزارش ایرنا سعید سلطانیان به همراه یک گروه علمی در دانشگاه ولو نگوگ ایالت نیو ساوت ولز استرالیا به سرپرستی پروفیسور دو ابرسانایی ساختند که بالاترین رکورد را

در میان ابررسانا دارد این ابررسانا به شکل سیم یا نوار ی از جنس دی برید منیزیم با پوششی از آهن است که شکل میکروسکوپی آن در پایین نشان داده شده است .

کاربردهای مختلف ابررساناها

از ابررسانایی میتوان در ساخت آهن رباها و ویژه طیف سنجهای رزونانس مغناطیسی هسته و عکسبرداری تشدید مغناطیسی هسته و تشخیص طبی استفاده نمود و همچنین چون با حجم کم جریانهای بسیار بالا را حمل می کنند می توان از آنها در ساخت موتورهای الکتریکی (ژنراتورها- کابلها) استفاده نمود که حجمشان ۴ تا ۶ برابر کوچکتر از موتورهای فضایی امروزی هستند . میتوان از آهن رباها ابررسانا در ساختمان ژيروسکوپ برای هدایت فضا پیما استفاده نمود . می توان از نیم رساناها در ساخت قطارهای شناور استفاده نمودمانند قطار سریع السیر ژاپنی ها که در سال ۲۰۰۰ میلادی ساخته شد و با سرعت ۵۸۱ km/h حرکت می کرد در این بجای قطار بجای استفاده از چرخ از میدان مغناطیسی استفاده شده است.

ابررساناهای دمای بالا

زمینه ای جدید در علم فیزیک آغاز شد هنگامی که در ۲۷ ژانویه ۱۹۸۶ میلادی، Bednorz و Mueller یک افت مقاومت تیز را در $La_2-mBamCuO_4$ در دمای حدود 30 درجه ی کلوین مشاهده کردند. آن ها مقاله ای در این باره به یکی از روزنامه های معتبر اروپائی،

ZeitSchrift fur Physik فرستادند و مطالعه ی خود را بر روی این ماده ی جدید ادامه دادند تا اطمینان حاصل کنند که تغییر مقاومت ناگهانی، تبدیل به یک حالت ابررسانایی بوده. تا ماه اکتبر، آن ها اثر مایزنر (The Meissner Effect) را مشاهده کرده بودند، بنابراین یک ماده ابررسانای جدید را به ثبت رساندند. نتایج آن ها در دنیا پخش شد، یک ماه بعد، Tanaka و همکاران وی در توکیو نتایج Bednorz-Muller را تأیید نمودند (یک تأییدیه در یکی از روزنامه های ژاپنی چاپ شد) در حالی که کار آن ها در پکن توسط Zou و همکارانش پشتیبانی و حمایت شد. (کار آنها در دسامبر در یکی از روزنامه ها توضیح داده شد). در ماه بعد، در نتیجه ی یک تلاش همکارانه بین Paul Chu از دانشگاه هوستون و Mang-Kang Wu از دانشگاه آلاباما، عضو جدیدی از خانواده مواد ابررساناهای دما بالا کشف شد، $YBa_2Cu_3O_7$ که دارای بالای ۷۰ درجه ی کلوین بود. بنابراین فقط در طی یک سال از کشف اصلی، دمای انتقال به حالت ابررسانایی افزایش سه برابر داشت. و واضح بود که انقلاب ابررسانا ها هنوز شروع شده است. یک جشن برای بوجود آمدن این فصل در علم فیزیک طی یک جلسه در نیویورک توسط انجمن فیزیک دانان آمریکایی در یک بعد از ظهر یکی از روزهای مارس ۱۹۸۷ برگزار شد. این جشن ۳۰۰۰ شرکت کننده داشت و ۳۰۰۰ نفر نیز این جشن را از طریق تلویزیون مشاهده می کردند ...

در طول شش سال بعد، چند خانواده ی دیگر از ابررسانا ها کشف شدند، که شامل سیستمهای مبنی بر Tl- و Hg- می باشند، که به ترتیب دارای حداکثر ۱۲۰ کلوین و ۱۶۰ کلوین می باشند. همگی آنها یک ویژگی که موجب روی دادن ابررسانایی دمای بالا بود، داشتند، وجود پلین های (planes) شامل اتم های O و Cu ی که جدا شده بوسیله ی مواد پل کننده ای که به عنوان حامل بار عمل می کنند هستند. در طی این مدت، حدود چند هزار مقاله در رابطه با ابررسانا ها منتشر گشت (و در زمان حاضر هم منتشر می شود) بدیهی گشت که ابررسانایی دمای بالا وابسته به مسائل بزرگ فیزیک بسیاری در طول دهه ی گذشته ی این قرن بود. حداقل چهار دلیل برای علاقه ی شدید به بالا وجود دارد: یک علاقه ی علمی ذاتی و باطنی، طبیعت انتقال نظم و ترتیبی، (این به حدود جدا کننده ی دانشمندان و شیمی دان های مواد از طریق فیزیکدان های نظری و تجربی می رسد)؛ کاربردهای بالقوه برای مواد ی که در دماهای بالاتر از ۷۷ کلوین (دمایی که نیتروژن مایع می شود) به عنوان ابررسانا عمل می کنند، کاربردهایی که می توان در سیستم های تلفن سلولی اعمال کرد، خطوط انتقال ابررسانایی، ماشین های MRI استفاده کنند از مغناطیس های بالا، میکروویو های استفاده کننده از مواد ابررسانای جدید، سیستم های ابررسانا/ نیمه رسانای هیبریدی؛ و در آخر پیدا کردن ابررسانای دمای اتاق .

برخی مشخصه ها و خواص ابررسانا های جدید عبارتند از اینکه آن ها سرامیک، و اکسید های ورقه ورقه می باشند که در دمای اتاق فلزات ضعیف و بی ارزشی هستند، و مواد

متفاوتی برای کار کردن هستند. شامل کمی حامل بار در مقایسه با فلزات معمولی هستند، و خواص انیسوتروپیک (Anisotropic) الکتریکی و مغناطیسی هستند که بطور قابل ملاحظه ای حساس به محتوای اکسیژن می باشند. در حالی که، نمونه های ابررسانای مواد ۱-۲-۳، $Yb_{a2}Cu_3O_7$ ، را یک دانش آموز دبیرستانی نیز می تواند در یک اجاق میکروویو تولید کند، کریستال های یکتای دارای درجه ی خلوص بالا برای تشخیص خواص فیزیکی ذاتی موادی که ساختن آن ها به طور خیلی زیادی سخت است، لازم است .

در ادامه ی یک دهه کار، یک وفاق عمومی بر سر این موضوع وجود دارد که رفتار تحریکات ابتدائی در پلین های (planes)، $Cu-O$ یک کلید برای درک خواص حالت عادی این ابررساناها ارائه می دهد، و اینکه آن خاصیت غیر حالت عادی شبیه به حالت عادی ابررساناهای معمولی و دمای پایین می باشند .

علاوه بر این، اساسا هیچ یک از خواص حالت ابررسانایی، با خواص یک ابررسانای عادی یکی نیست، که در آن جفت کردنتئوری BCS در حالت خط واحد اتفاق می افتد و شکاف انرژی ذرات quasi در دماهای پائین و ایزوتپریک، هنگامی که یکی حول سطح فرمی حرکت می کند، محدود می باشد. علی رغم این حقیقت که چیزی نسبتا جدید و متفاوت نیاز است تا رفتار حالت عادی را درک کنیم، یک توافق و اجماع وجود دارد که

تئوری BCS، اگر بطور مناسبی تغییر یابد، یک توضیح راضی کننده برای انتقال به حالت ابررسانایی و خواص مواد در آن حالت، می دهد.

یک توافق تقریبی همچنین در رابطه با اجزای سازنده ی پایه ی لازم برای درک ابررساناهای دمای بالا وجود دارد. آن ها را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

عمل ابتدا در پلین های Cu-O رخ می دهد، پس در تخمین اول، برای متمرکز کردن هم توجه نظری و هم عملی روی رفتار تحریکات پلانار، و همچنین برای متمرکز کردن بر روی دو سیستم مطالعه شده، سیستم ۳-۲-۱ (YBa₂Cu₃O_{7-m}) و سیستم ۲-۱-۲-۴ (La_{2-m}Sr_mCuO₄)، کفایت می کند.

در دماهای پائین هر دو سیستم عایق های آنتی فرو مغناطیس می باشند با یک آرایه ی محلی Cu₂+ که علامت آن در داخل شبکه متناوبا عوض می شود.

شخصی سوراخ هایی را بر روی پلین های Cu-O سیستم 1-2-3 با تزریق اکسیژن ایجاد می کند، برای سیستم ۲-۱-۲-۴ این کار با تزریق استرونتیوم انجام می گیرد. سوراخ های حاصل روی مقر پلانار اکسیژن، با اسپین های نزدیک Cu₂+ پیوند پیدا می کنند، و حرکت را برای دیگر اسپین های Cu₂+ آسان می سازد، و در روند، نابود کردن همبستگی های AF طولانی برد در عایق.

اگر کسی حفره های کافی را ایجاد کند، سیستم حالات پایه ی خود را از یک عایق به یک ابررسانا تغییر می دهد.

در حالت عادی مواد ابررسانا، اسپین های Cu_2+ سیار، اما محلی یک مایع فرمی غیر مرسوم را تشکیل می دهند، با اسپین های quasiparticle های نشان دهنده ی ارتباطات AF قوی، حتی برای سیستم های در سطح تخدیر که از حدی که ماکزیمم می باشد، تجاوز می کند، موادی که با نام فرا-تخدیر شناخته می شوند. اگر چه هیچ توافقی بین تئورسین ها بر سر این که چگونه یک توضیح نظریه ای دارای جزئیات برای curpate ها ارائه کنند. راهکرد هایی که برای اینکار امتحان شد، را می توان به از پایین به بالا- یا از بالا به پایین رده بندی کرد. در راهکرد از بالا به پائین، یکی مدلی را که از قبل وجود داشته را انتخاب می کند و راه حل هایی برای انتخاب های دیگر پارامترهای مدل را توسعه می دهد، سپس تست می کند که آیا این راه حل به نتایج منطبق بر شواهد و تجربیات رسیده اند یا نه. در یک راهکرد از پائین به بالا، یک از نتایج تجربی آغاز می کند و تلاش می کند تا یک توضیح پدیده ای از یک زیر مجموعه از نتایج تجربی را بدست آورد. سپس چند آزمایش دیگر را متناسب با توضیح بدست آمده انجام می دهد، با ترتیب میکروسکوپی برای هر آزمایش، تا اینکه به نتایج مورد انتظار از محاسبات و مشاهدات دست بیابد. و فقط آن وقت، بدنبال یک مدل همیلتونی که راه حلش ممکن است تئوری میکروسکوپی کامل را ارائه دهد، بگردد و جستجو کند Jonh Bardeen. از این راهکرد دوم برای کار کردن بر روی ابررساناهای عادی و مرسوم استفاده کرد، و در دانشگاه اوربانا از روش و راهکرد او برای کار بر روی ابررسانای دمای بالا استفاده کردند.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: ابر رسانایی
Subject:
Author: MKh
Keywords:
Comments:
Creation Date: 3/28/2012 5:28:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: H.H
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 3/28/2012 5:28:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 11
Number of Words: 1,856 (approx.)
Number of Characters: 10,583 (approx.)